

# ایران فرهنگی

## ایزارهای فرهنگی که برای «زیست اسلامی» نیاز داریم مأموریت؛ احیای فرهنگ

دکتر سیدسعید زاهد زاهدانی دکتری جامعه‌شناسی از دانشگاه لیدز انگلستان و رئیس پژوهشکده تحول و ارتقای علوم‌انسانی دانشگاه شیراز

فرهنگ امروز جامعه ما به علت بیش از صد و پنجاه سال تأثیرات تحمیلی فرهنگ و سیاست‌های فرهنگی غرب دچار نوعی التقاط است. هنوز ساختارهای رسمی به جا مانده از دوران رژیم پهلوی، دگرگون نشده و متناسب با فرهنگ اسلامی تنظیم نگردیده است. رهبر معظم انقلاب که مسئول تعیین سیاست‌های کلان نظام جمهوری اسلامی ایران هستند، در آغاز به کار دولت سیزدهم، اشاره به «اصلاح ساختاری نظام فرهنگی» داشتند. از این رو، بر دست‌اندرکاران لازم است که تمهیدات لازم را برای این تغییر ببندیشند. در این یادداشت تلاش ما بر این است که عیوب ساختاری فرهنگ را برشماریم و به پیش‌نیازها یا مقدمات لازم برای تغییر ساختاری مطلوب اشاره کنیم.

\*\*\*

«اگر فرهنگ را مجموعه ادراکات به توافق جمع رسیده تعریف کنیم و با توجه به جمیع جهات، اگر تمدن را شکل عملیاتی و اجرایی شده فرهنگ بدانیم؛ به نظر می‌رسد تعبیر شایسته‌تری از این دو مفهوم به دست داده باشیم. وقتی فرهنگی به منصف ظهور می‌رسد تمدنی ظاهر می‌شود. به عبارت دیگر تمدن، عملیاتی شده یا رویه آشکار و اجرایی یک فرهنگ است.» (زاهد، ۱۳۹۲: ۶۴).

کشور ما از اواسط دوره قاجار تحت تأثیر تمدن مدرن قرار گرفت و بتدریج ساختارهای فرهنگ بومی آن متحول شد. این تحولات با روی کار آمدن سلسله پهلوی که کشور را به سبک سکولار اداره می‌کردند، گسترش یافت و تثبیت شد. بعد از انقلاب، همان جریان روی ریل افتاده دوران پهلوی با بی توجهی برخی از مدیران و نادیده گرفتن هشدارهای نهامج فرهنگی رهبر معظم انقلاب ادامه یافت و امروزه این ساختارهای معیوب تقریباً کل جامعه را فرا گرفته است؛ هر چند هنوز «فرهنگ بومی» در حال نفس کشیدن و به یمن انقلاب اسلامی سر برآوردن است. ظرفیت فرهنگ بومی ما توحید، ربوبیت تکوینی و تشریحی دنیا- آخرت‌گرایی و حق‌محوری است. هر چه دریافت ما از این سه مفهوم بیشتر شود ظرفیت فرهنگ اسلامی بالاتری خواهد داشت. جهت فرهنگی ما را «معرفت‌شناسی اسلامی» مشخص می‌کند. در کشور ما باید این مبانی رواج یابد و فراگیر شود. احکام ارزشی، توصیفی و تکلیفی اسلامی، فرهنگ ما را به ظهور

و صحنه عمل می‌رساند. تسلیم شدن به احکام و ارزش‌ها و هنجارهای رایج در غرب، اعمال فرهنگی ما را از فرهنگ اسلامی به فرهنگ رایج غرب تغییر خواهد داد.

محور ساختار فرهنگ اسلامی «هستی‌شناسی اسلامی» و اعتقاد به «واقعیت غیب و مشهود» است. اگر «اصالت خرد ایزاری» را جایگزین آن کنیم این محور فرهنگی ما مبدل به محور فرهنگ غربی می‌شود. قدرت تصرف ما توسط علوم و هنرهای تخصصی و علوم پایه مبتنی بر فرهنگ بنیادی اسلامی و علوم‌انسانی و تجربی اسلامی تعیین می‌شود. به هر مقدار که در اینگونه از علوم عقب باشیم یا از علوم رشد یافته در فرهنگ غربی استفاده کنیم قدرت تصرف ما در عالم به همان میزان در حد همین علوم خواهد شد. نتیجه اینکه در «فرهنگ عمومی» معروف و منکرهای رایج در غرب به جای معروف و منکرهای اسلامی رواج خواهد یافت. اگر توجه به قرب‌الی‌الله و تقوی الهی را از دست بدهیم و عملگرایی و اصالت سود و فایده صرف این جهانی را در نظر بگیریم هماهنگی افکار و رفتار ما توسط همین عوامل فرهنگی صورت خواهد گرفت و بقیه اقلام فرهنگی ما نیز به سمت هماهنگ شدن با این مفاهیم سوق داده می‌شود. ابزار عملکرد ما می‌باید فقه، علوم مهندسی و دیگر علوم کاربردی مبتنی بر فرهنگ بنیادی اسلامی باشد. اگر این دسته از علوم را نداشته باشیم یا ناقص داشته باشیم وسیله فرهنگی مناسب برای «زیست اسلامی» را نخواهیم داشت. در این صورت به ناچار می‌باید از ابزار فرهنگ غربی استفاده کنیم. در زمینه زندگی نیز هر مقدار که سبک و شیوه زندگی غربی جایگزین آن خواهد شد.

از آنجا که در دین مبین اسلام، که اساس فرهنگ ملی ما را تشکیل می‌دهد، رشد و توسعه، در افزایش امکان عبودیت خداوند تبارک و تعالی است، در تغییر ساختارهای فرهنگی می‌باید تلاش کنیم امکان «عبودیت فردی و اجتماعی» تسهیل و در حد ممکن گسترش یابد. این شیوه است که ما را به سعادت دنیوی و اخروی می‌رساند. این امکان عبودیت با گسترش و رشد فرهنگ اسلامی در تمام ابعاد و لایه‌های معرفی شده حاصل خواهد شد. بنابراین تلاش برنامه‌ریزان فرهنگی ما می‌باید در گسترش و رشد فرهنگ اسلامی باشد. افزایش قدرت فرهنگی در افزایش قدرت مفهوم‌سازی و بالابردن تولیدات فرهنگی متناسب با

فرهنگی غیر از فرهنگ و تمدن مدرن انتظار داشت.

فرهنگی غیر از فرهنگ و تمدن مدرن انتظار داشت.

فرهنگی غیر از فرهنگ و تمدن مدرن انتظار داشت.

فرهنگی غیر از فرهنگ و تمدن مدرن انتظار داشت.

فرهنگی غیر از فرهنگ و تمدن مدرن انتظار داشت.

فرهنگی غیر از فرهنگ و تمدن مدرن انتظار داشت.

فرهنگی غیر از فرهنگ و تمدن مدرن انتظار داشت.

دکتر مهرداد معمارزاده در گفت وگو با «ایران» از تلخی و شیرینی های طبابت در جبهه های دفاع مقدس می گوید

### روایت یک پزشک از مباران شیمیایی سردشت

◀ | صفحه ۱۵

«مردم‌مداری» چگونه «کارآمدی سیاسی» می‌انجامد؟

### سیاست خوش آتبه

حفظ عزت و کرامت مردم شرط تحقق «گفتمان جهادی» است

«کارآمدی» در معنایی بسیار عام، به نوعی کارآیی و اثربخشی و تأثیرگذاری و رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده است و گفته شده در ادامه مشروعیت و نوعی از مشروعیت تلقی می‌شود. بنابراین از این حیث، واجد اهمیت بسیاری است و نباید دست‌کم گرفته شود. چه بسا حکومتی واجد مشروعیت اولیه یعنی وجه «حقانیت» باشد اما فاقد «کارآمدی» یعنی مشروعیت ثانویه باشد.

از سویی ممکن است حکومتی فاقد مشروعیت اولیه باشد اما واجد کارآمدی یعنی مشروعیت ثانویه باشد. بنابراین موضوع «کارآمدی» از هر حیثی می‌تواند اهمیت داشته باشد و مورد تأمل و گفت‌وگو واقع شود.

عناصر مختلفی می‌توانند منجر به کارآمدی شوند. «مردم‌مداری» یکی از ارکان بسیار مهم کارآمدی می‌تواند به‌شمار آید. در واقع در اینجا، «کارآمدی» به معنای آن است که مردم در تمام امور کشور حضور دارند و بار اصلی پیشرفت و حرکت رو به جلوی کشور بر دوش و اراده و انرژی و حضور مؤثر «مردم» است. نقش حکومت نیز در اینجا ریل‌گذاری این پیشرفت و سیاستگذاری و مانع‌زایی و فراهم کردن شرایط مطلوب برای این حرکت رو به جلو و ایجاد فضای تأثیرگذاری مطلوب است. بنابراین همانگونه که نقش و حضور مردم اهمیت و تأثیر دارد، نقش حکومت در دستیابی به اهداف مورد نظر نیز می‌تواند قابل توجه باشد. اگر حکومت همراهی نکند و ریل‌گذاری درستی انجام ندهد یا سیاست‌های ناهمگونی یا ناسازگار با جامعه وضع و اجرا کند که همدیگر را خنثی می‌کنند، حضور مردم نیز مؤثر نخواهد بود. حضور و نقش مردم زمانی مطلوب است که قوانین و سیاست‌ها و سیاستگذاری‌های موجود نیز همراهی مؤثری داشته باشند.

بنابراین برای پیدایش کارآمدی مطلوب «مردم‌مداری واقعی» باید شکل گیرد و حرف و شعار نمی‌تواند به کارآمدی بینجامد. کارآمدی به معنای اثربخشی و کارایی باید به‌طور عملی محقق شود. از این رو، حکومت باید مسیر نیل به اهداف را با حضور واقعی و مؤثر مردم مهیا کند. این وضعیت با قوانین دست و پا گیر و مزاحم و بوروکراسی پیچیده و غیرشفاف و کند مهیا نمی‌شود و این خود می‌تواند کارآمدی را با چالش مواجه کند و حتی حضور و آمادگی مردم برای مشارکت در بخش‌های مختلف را به چالش بکشد.

با چنین نگاهی «گفتمان جهادی» نیز بدون تمهیدات صحیح در عرصه سیاست‌ها و سیاستگذاری‌ها و به‌صرف حضور در میان مردم محقق نمی‌شود بلکه نیازمند تصحیح‌برنامه‌ها و برنامه‌ریزی صحیح برای حرکت مؤثر است. به این معنا که هر حرکت جهادی و حضور در میان مردم، نیازمند برنامه مدون و از پیش کارشناسی و طراحی شده و همراهی همه دستگاه‌های مسئول است؛ وگرنه صرفاً به‌عنوان یک رفع تکلیف تلقی می‌شود. پیامد چنین اقداماتی نیز از قبل روشن است و ناامیدی مضاعفی را به‌دنبال دارد. این حضور و حرکت جهادی باید بر «خردورزی» و «حکمت» استوار باشد و افزون بر پشتوانه فلسفی، باید با نظرات مداوم و مستمر همراه شود؛ در غیر این صورت، فعالیت‌های جهادی در دراز مدت هیچ نفعی در پی نخواهد داشت.

یکی از مهم‌ترین عناصر گفتمان جهادی این است که «امید» را باید به جامعه بازگرداند. از این رو، حرکت از پیش طراحی و کارشناسی شده و با تفکر می‌تواند به آن کمک کند. اگر این گفتمان بتواند امید را در جامعه احیا کند شاید بخش زیادی از عنصر معنوی کارآمدی را محقق ساخته است. امید باعث نشاط و شادابی اجتماعی و ایجاد انرژی مستمر

برای انجام کارهای مؤثر و مداوم است. هر حرکت موفقیتی در جامعه باید مسبق به امید باشد و بتواند روزنه‌های امید را در جامعه افزون کند.

طی چهارده گذشته، به‌عنوان یک نمونه از گفتمان و کار جهادی و مردم‌مداری واقعی که به «کارآمدی سیاسی» نیز منجر شد می‌توان از دوران دفاع مقدس یاد کرد که به معنای واقعی در آن مردم آزادانه با حضور در عرصه دفاع از کشور اجازه ندادند که قطعه هر چند کوچک از ایران جدا شود. این موضوع می‌تواند تجربه مهمی برای حضور مداوم مردم در عرصه‌های فرهنگی و اقتصادی باشد. متأسفانه با حذف مردم از این صحنه‌ها صرفاً بر مشکلات افزوده شده و طبیعی است که بدون حضور و نقش‌آفرینی آنان نیز امیدواری به‌حل مشکلات و معضلات، آب در هاون کوبیدن است.

گفتمان جهادی خدمت به مردم، با «آزادی» همراه است و در این مسیر باید تلاش شود که همه ظرفیت‌ها آزاد شود و برای پیشرفت کشور مورد بهره‌برداری قرار گیرد. کنار گذاشتن برخی از ظرفیت‌ها و نادیده‌گرفتن اصل شایسته‌سالاری می‌تواند همزمان هم آسیب زننده باشد و هم به اتلاف منابع و امکانات بینجامد و دلسردی نخبگان و عموم مردم را به همراه داشته باشد. از این رو، در مسیر تحقق یک کارآمدی مؤثر و همدفند که بتواند واجد کارایی و اثربخشی باشد نوعی توجهنوعی حضور و مشارکت «آزادی» در جامعه را از نظر مغفول داشت. آزادی‌های مشروع و قانونی و بهره‌گیری از آن توسط عموم مردم به نخبگان می‌تواند کارآمدی در عرصه سیاست‌ورزی را ارتقا دهد و به پیشرفت جامعه و ارتقای کارآمدی کمک کند. محدود کردن انتخاب‌های مردم و ایجاد تصبیقات غیرمعمول و فقدان پاسخگویی و عدم شفافیت در اقدامات اجرایی می‌تواند کارآمدی سیاسی را دچار اختلال کند که یکی از آنها تزریق ناامیدی در میان مردم است. بنابراین ایجاد فضای آزاد برای ورود به عرصه فعالیت و مشارکت و نظارت می‌تواند به بهبود کارآمدی بینجامد. «آزادی» خود به کارآمدی سیاسی و دیگر انواع کارآمدی می‌انجامد.

این نکته را باید مدنظر داشته باشیم که انقلاب اسلامی هم‌زمان ارزش‌های اسلامی است و حضور مؤثر و صاحب‌نقش بودن مردم در انقلاب و تداوم ارزش‌های آن یعنی عدالت و آزادی و استقلال و جمهوری اسلامی یکی از مهم‌ترین اقدامات است. به تجربه حضور مردم در دوران دفاع هشت‌ساله می‌توان گفت هر کجا این حضور و نقش‌پررنگ باشد، به پیشرفت جامعه منتهی می‌شود و هر کجا این حضور کم‌رنگ شود در پیشرفت جامعه خلل وارد خواهد شد و بر مشکلات خواهد افزود و زمینه ناآرامی و گسست در جامعه را فراهم می‌کند.



دکتر شریف لکزایی استاد فلسفه سیاسی و هیات علمی پژوهشکده علوم و اندیشه‌سیاسی

یادداشت

## وقتی معروف و منکرهای ما مبتنی بر «نظام تمدن مدرن» می‌شود چه مصائبی برای جامعه و فرهنگ‌مان ایجاد می‌کند؟

## ”

### حرکت جهادی باید بر

### «خردورزی» و «حکمت»

### استوار باشد و افزون بر

### پشتوانه فلسفی، باید با

### نظرات مداوم و مستمر

### همراه شود. یکی از مهم‌ترین

### عناصر گفتمان جهادی این

### است که «امید» را باید به

### جامعه بازگرداند. اگر این

### گفتمان بتواند امید را در

### جامعه احیا کند شاید بخش

### زیادی از عنصر معنوی

### «کارآمدی سیاسی» را

### محقق ساخته‌است